

سنجش شاخصهای توسعه‌یافتگی در استانهای کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸

جواد اطاعت^۱: دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

عبدالرضا شجاعی‌نسب: کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

واقعیت این است که هر چند اجرای برنامه‌های پنج ساله توسعه در ایران از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۸ با توفیقاتی همراه بوده است؛ اما نتیجه اجرای برخی برنامه‌ها، موجب بروز عدم تعادل‌های منطقه‌ای در بسیاری از مناطق جغرافیایی کشور (بویژه مناطق مرکزی در قیاس با مناطق پیرامونی)، شده و این اتفاق، نه تنها کیفیت زندگی مردمان کشور را به شدت کاهش داده، بلکه باعث بروز مسائل زیادی در حوزه‌های مختلف شده است. از جمله برنامه‌های یاد شده می‌توان به برنامه چهارم کشور اشاره کرد که به دلیل ضعف و ناکارآمدی روش‌های مدیریتی، موجب گسترش ناپایداری در بسیاری از بخش‌های کشور شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف توسعه (شاخص‌های اقتصادی-زیربنایی و اجتماعی-فرهنگی) به منظور مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور انجام شده است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و در تحلیل داده‌ها از مدل تاکسونومی عددی استفاده شده است. در طراحی نقشه‌های موضوعی نیز از نرم‌افزار GIS بهره گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ارزیابی فرآیند توسعه در استان‌های مختلف ایران به صورت تطبیقی بیانگر عدم توازن توسعه‌یافتگی در آنها بوده و شکاف توسعه در برنامه چهارم توسعه در مقایسه با برنامه سوم نه تنها ترمیم نشده؛ بلکه روند افزایشی نیز داشته است.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری دولت، توسعه یافتگی، برنامه‌های پنج ساله، ایران.

^۱. نویسنده مسئول: J_etaat@sbu.ac.ir، ۰۹۱۲۱۰۵۲۰۹۲

بیان مسأله:

آنچه که امروزه دولت‌ها با آن مواجه هستند، روند روبه رشد ناپایداری‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سرزمین است. رشد جمعیت و شهرنشینی از یکسو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریتی از سوی دیگر از جمله علل ناپایداری‌های یاد شده است. در گذار زمان، رویکردهای مختلفی در جهت حل مسائل ملل مطرح شده است که از جمله مهم-ترین آنها، رویکرد توسعه پایدار است که در دهه ۱۹۷۰م. در کنفرانس برانت لند استکهلم مطرح شد. در حقیقت، این رویکرد بر توسعه اقتصادی همزمان با رعایت عدالت اجتماعی و حفاظت از ارزش‌های محیطی تأکید داشت. نگاهی بر برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در برخی از برنامه‌های یاد شده، موفقیت‌هایی در حوزه‌های مختلف حاصل شده است، اما متأسفانه برخی دیگر از برنامه‌ها، نه تنها موفق نبوده‌اند، بلکه موجبات ناپایداری‌های گسترده در سطح سرزمین نیز شده است. از جمله برنامه‌های یاد شده، می‌توان به برنامه چهارم توسعه اشاره کرد که عدم تعادل‌های منطقه‌ای، و رشد فقر و نابرابری در سطح کشور از نتایج عمده آن محسوب می‌گردد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که متأسفانه مسأله ناپایداری منتج از برنامه چهارم کشور نه به دلیل رشد جمعیت، بلکه در اثر ضعف و ناکارآمدی الگوهای مدیریتی رخ داده است و این مسأله، موجب بروز مسائل متعدد در حوزه‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی در کشور شده است. در این پژوهش به مقایسه سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور در طول برنامه چهارم، و همچنین مقایسه این برنامه با برنامه سوم توسعه پرداخته شده است؛ تا از این طریق، به تبیین روند و شکاف توسعه در سطح سرزمین اقدام گردد.

مبانی نظری:

تاکنون تعاریف مختلفی از واژه «توسعه» مطرح شده است، که از آن جمله می‌توان به تعریف گرت نیگل^۱ اشاره نمود. وی معتقد است که توسعه، به پیشرفت در چند حوزه اشاره دارد که این حوزه‌ها شامل موارد زیر هستند:

- ثبات جمعیتی از قبیل کنترل زادوولد و افزایش امید به بقا؛
 - پیشرفت‌های اقتصادی از قبیل رشد در تولید ناخالص داخلی، رشد در میزان درآمد ناخالص ملی، یا برابری قدرت خرید؛
 - توانمندسازی اجتماعی از قبیل عدالت در حقوق زنان، بهبود روابط، و مشارکت بیشتر در فرایندهای سیاسی.
- توسعه بر بهبود آزادی‌های فردی، کیفیت زندگی، و نظایر اینها نیز تأکید دارد (Nagle, 2005: 2). گولت^۲ نیز سه جزء اساسی را در تعریف توسعه مهم می‌داند:

۱. تأمین نیازهای پایه زندگی؛ شامل مسکن، پوشاک، تغذیه و آموزش‌های اولیه؛

۲. عزت نفس؛ شامل احساس کرامت و استقلال؛

۳. آزادی؛ شامل توانایی برای انتخاب سرنوشت خود (Gulet, 1971: 3).

در گذار تاریخ، دولت‌ها رویکردهای مختلفی برای رشد و توسعه سرزمین‌هایشان استفاده کرده‌اند که در مواقعی حفاظت محیط زیست و در مواقع دیگر توسعه انبوه اقتصادی در اولویت قرار داشت. طی سده گذشته، شهری شدن انبوه و صنعتی شدن گسترده از چالش‌ها و مسائل عمده دولت و کشورها محسوب می‌گردید، به گونه‌ای که طی چهار دهه اخیر، رشد آلودگی‌ها و ناپایداری‌ها، کشورها را مجبور به بازنگری در روش‌ها و طرح ایده‌های نو کرد. ایده توسعه پایدار که در حقیقت اعتراضی به روش‌های پیشین مدیریتی محسوب می‌گردد، به دنبال توسعه اقتصادی و اجتماعی، همزمان با ملاحظات زیست محیطی می‌باشد. به بیان دیگر، در توسعه پایدار اصل بر این است که منابع طبیعی پایه به گونه‌ای محافظت شوند که نسل‌های آینده حداقل به اندازه نسل‌های کنونی از این منابع برخوردار شوند (Connelly Smith, 1999: 2). توسعه پایدار مفهومی است که همه زوایای زندگی انسان و نسل‌های آینده را در برمی‌گیرد (شکوئی، ۱۳۸۲: ۲۶۸). و دستیابی به آن مستلزم ایجاد تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار

^۱ . Garrett Nagle

^۲ . Goulet

باشد. به عبارت دیگر مستلزم صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان و تجدیدپذیر است (نونژاد، ۱۳۷۹: ۱۹).

اصل پایه در توسعه پایدار، پذیرفتن رویکرد جامعی است که پیامدهای توسعه‌ای و محیطی هر فعالیت و فرایندی را در بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی مشخص کند (Sharpley, 2002: 339). با پذیرفتن چنین رویکردی، می‌توان به ظرفیت‌سازی دراز مدت برای بقای محیط زیست و رعایت اصل عدالت درون نسلی و بین نسلی در دسترسی به منابع اقدام نمود. چنین توسعه‌ای به دنبال بهبود کیفیت زندگی تمام افراد، تأمین نیازهای پایه آنها، اعطای آزادی‌های سیاسی به همگان و تحقق توسعه از درون اجتماعات می‌باشد. اهداف عمده پایداری را نیز می‌توان در استفاده حداقل از منابع طبیعی تجدیدناپذیر، استفاده پایدار از منابع تجدیدپذیر، سطوح جمعیت پایدار، و تولید آلودگی در حد ظرفیت محیطی جستجو نمود. برای رسیدن به چنین شرایطی باید به انجام اقداماتی چون اخذ پارادایم‌های اجتماعی جدید مرتبط با زندگی پایدار؛ توسعه سیستم‌های عادلانه سیاسی و اقتصادی ملی؛ حمایت از سیستم‌های تکنولوژیکی سازگار با محیط؛ و شکل‌گیری اتحاد ملی به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های توسعه یکپارچه در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی پرداخت (Streeten, 1997: 19). بدیهی است بهره‌گیری از رویکرد توسعه پایدار می‌تواند عاملی برای پیشرفت‌های مستمر اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست باشد. بدین ترتیب با استفاده از این رویکرد در تحقیق حاضر، تلاش می‌گردد ابعاد مختلف اجتماعی- فرهنگی؛ اقتصادی- سیاسی؛ و انسانی- محیطی همزمان مورد توجه قرار گیرد تا ایده آل توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور محقق گردد.

روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از شاخص‌های توسعه به منظور مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور انجام می‌پذیرد. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مورد نیاز نیز از داده‌های مرکز آمار، اسناد، مقالات و قوانین کشور اخذ شده‌اند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات و تعیین درجه توسعه یافتگی استان‌ها از مدل تاکسونومی عددی بهره‌گیری شده است. برای استانداردسازی، داده‌های مورد نیاز هر شاخص از داده‌های مرکز آمار ایران استخراج و سپس با استفاده از نرم‌افزار Excel تبدیل به سرانه شده‌اند و از این طریق درجه توسعه یافتگی هر استان تعیین گردیده است. سپس برای مقایسه شهودی، نتایج کار به صورت نمودارهای مختلف و (با کمک نرم‌افزار GIS) به صورت نقشه‌های موضوعی (در ۵ سطح توسعه‌یافتگی) نشان داده شده است. جامعه آماری شامل تمام استان‌های ایران است که بر اساس شاخص‌های مندرج در جدول شماره ۱ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

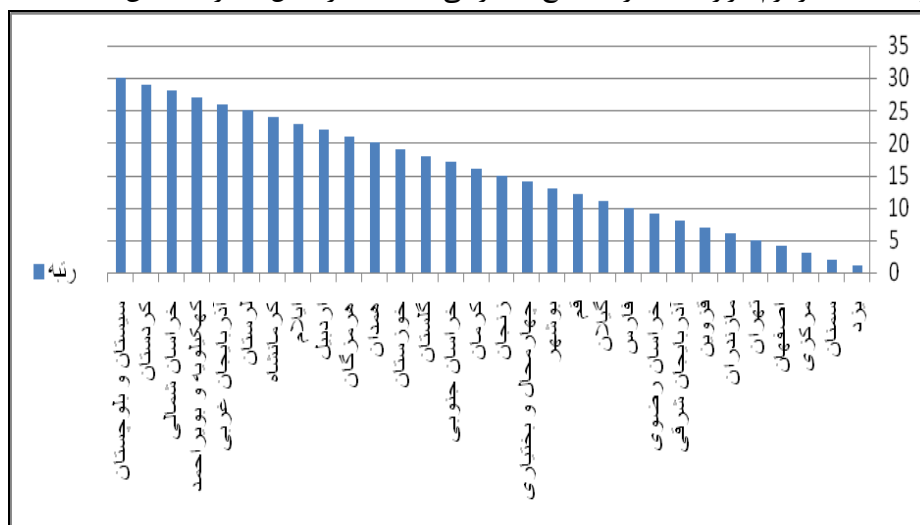
جدول ۱- مواد و شاخص‌های استفاده شده در تحقیق

ردیف	نوع شاخص‌ها	انواع داده‌ها
۱	شاخص‌های اقتصادی-زیربنایی	میزان درآمد؛ تعداد کارگاه‌های صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن؛ نرخ بیکاری؛ نرخ مشارکت اقتصادی؛ تعداد کارکنان کارگاه‌های صنعتی بیش از ۱۰ نفر کارکن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر؛ تعداد شاغلین بخش معدن در هر ۱۰۰۰ نفر؛ درآمدهای استانی (میلیون ریال)؛ تعداد انشعاب آب در هر ۱۰۰۰ نفر؛ تعداد انشعاب گاز در هر ۱۰۰۰ نفر؛ تعداد مشترکین برق در هر ۱۰۰۰ نفر؛ تعداد تلفن همراه در هر ۱۰۰۰ نفر؛ و طول راه‌های کشور (در هر ۱۰۰ کیلومتر مربع)
۲	شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی	تعداد افراد تحت بیمه تأمین اجتماعی در هر ۱۰۰۰ نفر؛ سرانه کتابخانه به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ سرانه دادگاه به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ سرانه سینما به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ سرانه تخت به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر؛ تعداد خانه‌های بهداشت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت؛ سرانه پزشک در هر ۱۰۰۰ نفر؛ نرخ با سواد؛ نرخ با سواد زنان؛ تعداد دانشجو در هر ۱۰۰۰ نفر؛ شاخص آموزش؛ و شاخص امید به زندگی.

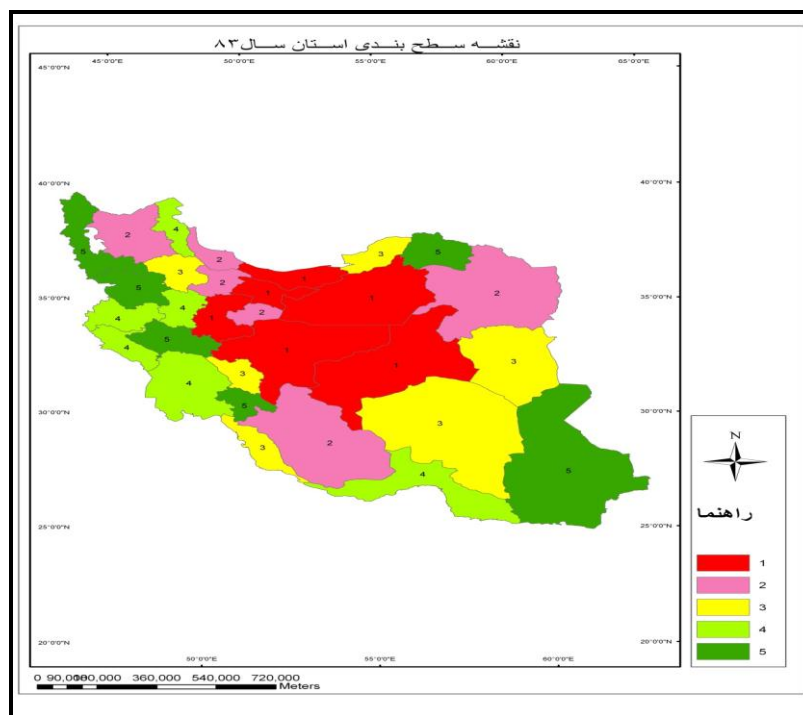
یافته های تحقیق:

الف) سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳):

بر اساس نتایج به دست آمده از رتبه بندی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) مشخص می شود که استان یزد در بین ۳۰ استان کشور با درجه توسعه یافتگی 0.70558 رتبه اول و سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی 0.82411 در رتبه سی ام جای گرفته اند. لازم به ذکر است در مدل تاکسونومی هرچه درجه توسعه یافتگی به صفر نزدیکتر باشد سطح توسعه یافتگی بیشتر و هرچه به عدد یک نزدیکتر باشد یا از آن بیشتر باشد، سطح توسعه یافتگی پایین تر است. همانطور که نمودار ۱ نشان می دهد استان یزد با فاصله نسبتاً زیادی از استانهای بعد آن مانند سمنان، مرکزی و اصفهان فاصله گرفته است. در این مقطع استان تهران با درجه توسعه یافتگی 0.74435 در رتبه پنجم قرار دارد. مضافاً اینکه طبقه بندی استانهای کشور با استفاده از نرم افزار GIS در ۵ سطح به شرحی است که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۲- رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳)



شکل ۱- سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳)

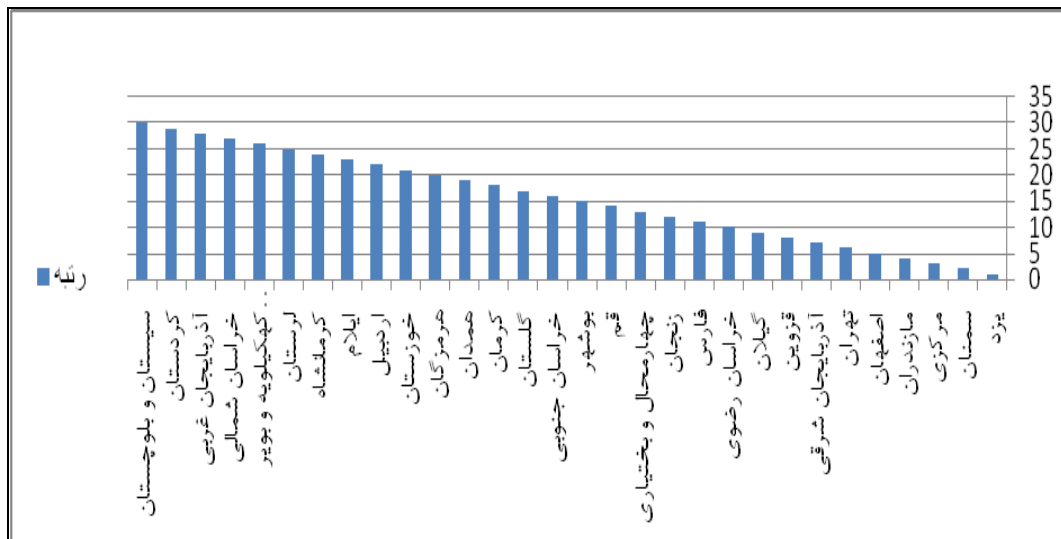
جدول ۲- رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه سوم (۱۳۸۳)

رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اجتماعی - فرهنگی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اقتصادی - زیربنایی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در مجموع	استان
۱	0.6605	سمنان	۱	0.7529	تهران	۱	0.7056	یزد
۲	0.6693	یزد	۲	0.7544	اصفهان	۲	0.7229	سمنان
۳	0.6924	مرکزی	۳	0.7647	یزد	۳	0.7351	مرکزی
۴	0.7458	مازندران	۴	0.7786	مازندران	۴	0.7372	اصفهان
۵	0.7536	قزوین	۵	0.7870	آذربایجان شرقی	۵	0.7444	تهران
۶	0.7549	اصفهان	۶	0.7884	خراسان رضوی	۶	0.7448	مازندران
۷	0.7560	بوشهر	۷	0.7885	سمنان	۷	0.7626	قزوین
۸	0.7624	تهران	۸	0.7899	قزوین	۸	0.7626	آذربایجان شرقی
۹	0.7675	هرمزگان	۹	0.7933	مرکزی	۹	0.7637	خراسان رضوی
۱۰	0.7690	چهارمحال و بختیاری	۱۰	0.7958	فارس	۱۰	0.7676	فارس
۱۱	0.7694	خراسان جنوبی	۱۱	0.7984	گیلان	۱۱	0.7691	گیلان
۱۲	0.7713	زنجان	۱۲	0.8035	قم	۱۲	0.7719	قم
۱۳	0.7720	آذربایجان شرقی	۱۳	0.8070	زنجان	۱۳	0.7730	بوشهر
۱۴	0.7722	قم	۱۴	0.8118	کرمان	۱۴	0.7732	چهارمحال
۱۵	0.7725	فارس	۱۵	0.8130	گلستان	۱۵	0.7735	زنجان
۱۶	0.7726	خراسان رضوی	۱۶	0.8157	خوزستان	۱۶	0.7795	کرمان
۱۷	0.7727	گیلان	۱۷	0.8157	بوشهر	۱۷	0.7806	خراسان جنوبی
۱۸	0.7728	کرمان	۱۸	0.8170	آذربایجان غربی	۱۸	0.7815	گلستان
۱۹	0.7746	کهگیلویه	۱۹	0.8172	چهارمحال	۱۹	0.7822	خوزستان
۲۰	0.7780	ایلام	۲۰	0.8186	همدان	۲۰	0.7841	همدان
۲۱	0.7785	خوزستان	۲۱	0.8192	خراسان جنوبی	۲۱	0.7866	هرمزگان
۲۲	0.7788	همدان	۲۲	0.8198	اردبیل	۲۲	0.7895	اردبیل
۲۳	0.7793	کرمانشاه	۲۳	0.8267	خراسان شمالی	۲۳	0.7914	ایلام
۲۴	0.7808	گلستان	۲۴	0.8296	کرمانشاه	۲۴	0.7916	کرمانشاه
۲۵	0.7842	لرستان	۲۵	0.8304	کردستان	۲۵	0.7944	لرستان
۲۶	0.7893	اردبیل	۲۶	0.8308	لرستان	۲۶	0.7976	آذربایجان غربی
۲۷	0.7984	کردستان	۲۷	0.8311	هرمزگان	۲۷	0.7986	کهگیلویه
۲۸	0.8017	خراسان شمالی	۲۸	0.8327	ایلام	۲۸	0.7995	خراسان شمالی
۲۹	0.8080	آذربایجان غربی	۲۹	0.8414	کهگیلویه	۲۹	0.8002	کردستان
۳۰	0.8312	سیستان و بلوچستان	۳۰	0.8439	سیستان و بلوچستان	۳۰	0.8241	سیستان و بلوچستان

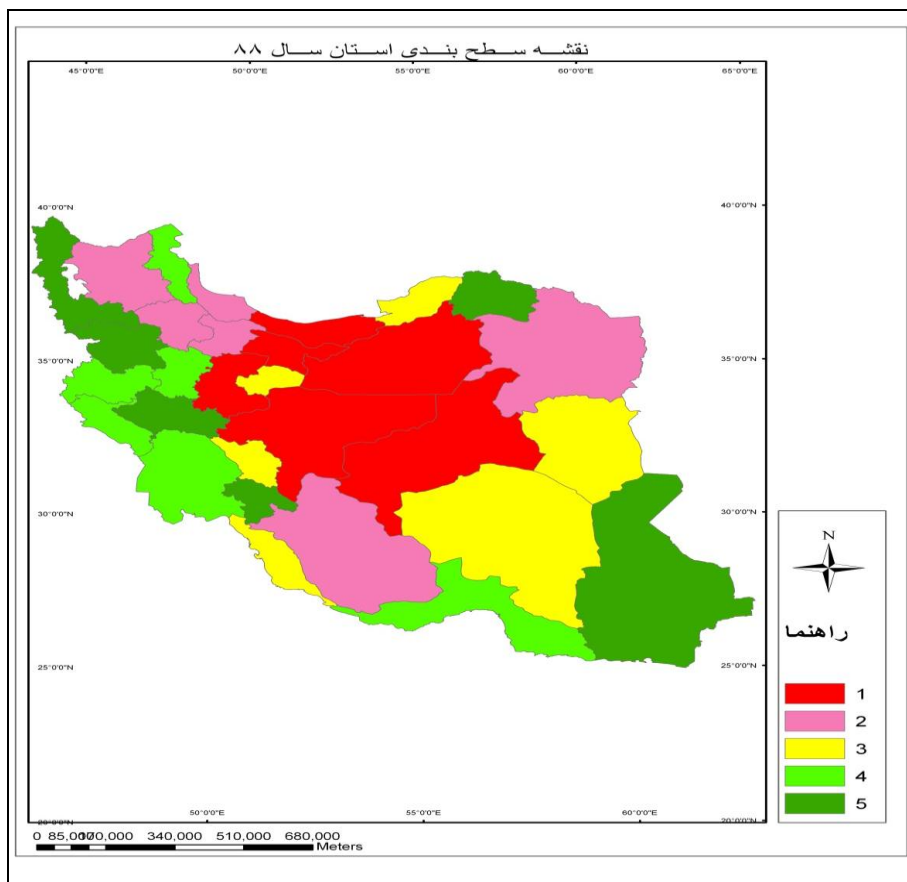
منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

ب) سطح بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (۱۳۸۸):

با توجه به داده های جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۲، در مقطع زمانی سال ۱۳۸۸ یعنی در پایان برنامه چهارم توسعه استان یزد با درجه توسعه یافتگی ۰.۶۶۳۳۸ در رتبه نخست و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی ۰.۸۱۳۵۵ در رتبه آخر قرار دارد. در این مقطع نیز حاصل طبقه بندی استانهای کشور با استفاده از نرم افزار GIS در ۵ سطح آورده شده است که در شکل شماره ۲ به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۲- رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (۱۳۸۸)



شکل ۲- نقشه سطح بندی توسعه یافتگی استان های کشور در پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸)

جدول ۳- رتبه بندی توسعه یافتگی استانهای کشور در پایان برنامه چهارم (۱۳۸۸)

رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اجتماعی- فرهنگی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در شاخص های اقتصادی - زیربنایی	استان	رتبه	درجه توسعه یافتگی در مجموع	استان
۱	0.6576	سمنان	۱	0.8827	یزد	۱	0.6634	یزد
۲	0.6664	یزد	۲	0.8862	اصفهان	۲	0.6866	سمنان
۳	0.6894	مرکزی	۳	0.8863	سمنان	۳	0.7096	مرکزی
۴	0.7432	مازندران	۴	0.8932	مرکزی	۴	0.7222	مازندران
۵	0.7510	آذربایجان شرقی	۵	0.8949	تهران	۵	0.7247	اصفهان
۶	0.7523	اصفهان	۶	0.8955	آذربایجان شرقی	۶	0.7381	تهران
۷	0.7535	تهران	۷	0.8969	مازندران	۷	0.7439	آذربایجان شرقی
۸	0.7599	قزوین	۸	0.9003	قزوین	۸	0.7485	قزوین
۹	0.7650	بوشهر	۹	0.9004	خراسان رضوی	۹	0.7494	گیلان
۱۰	0.7665	هرمزگان	۱۰	0.9008	گیلان	۱۰	0.7514	خراسان رضوی
۱۱	0.7669	خراسان جنوبی	۱۱	0.9019	قم	۱۱	0.7515	فارس
۱۲	0.7689	زنجان	۱۲	0.9019	خوزستان	۱۲	0.7524	زنجان
۱۳	0.7695	خراسان رضوی	۱۳	0.9023	کرمان	۱۳	0.7534	چهارمحال و بختیاری
۱۴	0.7697	قم	۱۴	0.9027	زنجان	۱۴	0.7536	قم
۱۵	0.7700	فارس	۱۵	0.9029	فارس	۱۵	0.7553	بوشهر
۱۶	0.7701	چهارمحال	۱۶	0.9048	گلستان	۱۶	0.7585	خراسان جنوبی
۱۷	0.7702	گیلان	۱۷	0.9051	آذربایجان غربی	۱۷	0.7628	گلستان
۱۸	0.7704	ایلام	۱۸	0.9052	همدان	۱۸	0.7630	کرمان
۱۹	0.7722	کهگیلویه بویراحمد	۱۹	0.9057	اردبیل	۱۹	0.7661	همدان
۲۰	0.7756	کرمان	۲۰	0.9065	چهارمحال	۲۰	0.7694	هرمزگان
۲۱	0.7761	خوزستان	۲۱	0.9076	بوشهر	۲۱	0.7707	خوزستان
۲۲	0.7764	همدان	۲۲	0.9081	ایلام	۲۲	0.7724	اردبیل
۲۳	0.7769	کرمانشاه	۲۳	0.9085	کرمانشاه	۲۳	0.7740	ایلام
۲۴	0.7784	گلستان	۲۴	0.9092	هرمزگان	۲۴	0.7752	کرمانشاه
۲۵	0.7819	لرستان	۲۵	0.9098	خراسان جنوبی	۲۵	0.7787	لرستان
۲۶	0.7870	اردبیل	۲۶	0.9100	لرستان	۲۶	0.7824	کهگیلویه و بویر احمد
۲۷	0.7962	کردستان	۲۷	0.9102	کردستان	۲۷	0.7825	خراسان شمالی
۲۸	0.7995	خراسان شمالی	۲۸	0.9119	خراسان شمالی	۲۸	0.7830	آذربایجان غربی
۲۹	0.8058	آذربایجان غربی	۲۹	0.9137	کهگیلویه و بویر احمد	۲۹	0.7859	کردستان
۳۰	0.8292	سیستان بلوچستان	۳۰	0.9227	سیستان و بلوچستان	۳۰	0.8136	سیستان بلوچستان

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

تجزیه و تحلیل یافته ها:

در پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) استان یزد با درجه توسعه یافتگی ۰.۷۰۵۵۸ در رتبه اول و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی ۰.۸۲۴۱۱ در رتبه سی ام جای داشتند و فاصله توسعه یافتگی استان اول با استان آخر برابر با ۰.۱۱۸۵۳ بود. در پایان برنامه چهارم توسعه استان یزد همچنان با درجه توسعه یافتگی ۰.۶۶۳۳۸ در رتبه نخست و استان سیستان و بلوچستان با درجه توسعه یافتگی ۰.۸۱۳۵۵ در رتبه آخر قرار دارد که فاصله درجه توسعه یافتگی دو استان ۰.۱۵۰۱۷ شده است و این نکته نشانگر آن است که گرچه وضع هر دو استان نسبت به مقطع قبل از لحاظ درجه توسعه یافتگی بهتر شده است و این رقم کاهش یافته است ولی در عمل فاصله دو استان از لحاظ توسعه بیشتر شده است به عبارت دیگر اینگونه می توان گفت که فاصله توسعه یافتگی دو استان یزد و سیستان و بلوچستان به عنوان استان های دارای رتبه اول و آخر در هردو مقطع زمانی پایان برنامه سوم توسعه و پایان برنامه چهارم توسعه افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۸۸ استان یزد ضمن آنکه همچنان در رتبه اول قرار دارد فاصله خود را با استان دوم یعنی استان سمنان نیز به اندازه ای افزایش داده است. فاصله این دو استان در پایان برنامه سوم ۰.۰۱۷۳ بوده است در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۸ به ۰.۰۲۳ رسیده است و این نکته نشان دهنده استحکام موقعیت یزد به عنوان رتبه اول و تثبیت وضع موجود در بین رتبه اول و دوم می باشد.

بطور کلی با مقایسه درجه توسعه یافتگی استانها در پایان برنامه سوم و چهارم توسعه مشخص می شود که درجه توسعه یافتگی تمامی استانها در پایان برنامه چهارم نسبت به پایان برنامه سوم بهتر شده است یعنی این عدد به صفر نزدیکتر شده است ولی مسئله قابل توجه علاوه بر افزایش فاصله استان اول و آخر این می باشد که هیچ تغییری در رتبه استان های اول، دوم و سوم یعنی استانهای یزد، سمنان و مرکزی رخ نداده است و این مسئله تحدودی در مورد استانهای انتهایی کشور نیز صادق می باشد به طوری که جایگاه دو استان انتهایی کشور یعنی کردستان و سیستان و بلوچستان در پایان دو دوره تغییری پیدا نکرده است. همچنین علاوه بر این ۵ استان نامبرده موقعیت ۴ استان اردبیل، ایلام، کرمانشاه و لرستان نیز ثابت بوده است. در نهایت تغییرات رخ داده مهم دیگر در جایگاه استانها به شرح ذیل است:

در سطح یک در سال ۱۳۸۸ استان جدیدی وارد نشده است و همه ۶ استانی که در سال ۱۳۸۳ در این سطح بودند باز هم در سطح یک باقی مانده اند. تنها نکته قابل توجه در این سطح تغییر رتبه استان تهران با مازندران است. استان تهران در سال ۱۳۸۳ در رتبه پنجم قرار داشت ولی در سال ۱۳۸۸ در رتبه ششم قرار می گیرد. در سطح دوم در سال ۱۳۸۸ علاوه بر جابجایی هایی در رتبه استانها در همین سطح یک تغییر دیگری نیز اتفاق افتاده است و آنهم تغییر سطح استان قم با استان زنجان است. یعنی استان قم که در سال ۱۳۸۳ در سطح دو قرار داشت به سطح سوم انتقال یافته است و استان زنجان که در این سال در سطح سوم قرار داشت به سطح دو انتقال یافته است. در سطح سوم نیز به غیر از انتقال استان زنجان به یک سطح بالاتری جابجایی سطح توسعه استانها مشاهده نمی شود ولی تغییراتی در رتبه استانها مشاهده می گردد. در سطح چهارم تغییری در سطوح استانها نسبت به سال ۱۳۸۳ رخ نداده است و تنها جایگاه سه استان همدان، هرمزگان و خوزستان از لحاظ رتبه تغییر کرده ضمن آنکه جایگاه سه استان دیگر که در نیمه پایین این سطح قرار دارند، یعنی استانهای ادبیل، ایلام و کرمانشاه از لحاظ رتبه ای تغییر پیدا نکرده است. در نهایت آنکه در سطح پنجم نیز تغییرات فقط در حد جابه جایی رتبه ها بوده و جابجایی استانها به سطح بالاتر مشاهده نمی باشد. در این سطح استان آذربایجان غربی با دو پله صعود وضعیت بهتری نسبت به بقیه استانها دارد. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- فاصله درجه توسعه یافتگی استان اول (یزد) با استان های رتبه های پایین تر در دو مقطع پایان برنامه های سوم (۱۳۸۳) و برنامه چهارم (۱۳۸۸)

فاصله درجه توسعه یافتگی استان با استان یزد در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳	پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳)	پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸)	فاصله درجه توسعه یافتگی با یزد استان
افزایش یافته	۰.۰۵۷	۰.۰۸۰۴	آذربایجان شرقی
افزایش یافته	۰.۰۸۳۹۶	۰.۱۰۸۹۹	اردبیل
افزایش یافته	۰.۰۸۵۸	۰.۱۱۰۵	ایلام
افزایش یافته	۰.۰۶۷۴۱	۰.۰۹۱۱۹	بوشهر
افزایش یافته	۰.۰۶۷۶۱	۰.۰۹۰۰۱	چهارمحال و بختیاری
افزایش یافته	۰.۰۷۴۹	۰.۰۹۵۱۳	خراسان جنوبی
افزایش یافته	۰.۰۸۵۱	۰.۰۸۷۹۷	خراسان رضوی
افزایش یافته	۰.۰۹۳۹۵	۰.۱۱۹۱	خراسان شمالی
افزایش یافته	۰.۰۷۶۵	۰.۱۰۷۳	خوزستان
افزایش یافته	۰.۰۶۷۹۳	۰.۰۸۹۳	زنجان
افزایش یافته	۰.۰۶۱۹۹	۰.۰۸۸۱۶	فارس
افزایش یافته	۰.۰۵۷۰۲	۰.۰۸۵۱	قزوین
افزایش یافته	۰.۰۶۶۲۷	۰.۰۹۰۲۴	قم
افزایش یافته	۰.۰۷۳۹۱	۰.۰۹۹۶۶	کرمان
افزایش یافته	۰.۰۸۶۰۳	۰.۱۱۱۷۱	کرمانشاه
افزایش یافته	۰.۰۹۳۰۱	۰.۱۱۲۸۹	کهگیلویه و بویراحمد
افزایش یافته	۰.۰۷۵۹۲	۰.۰۹۹۳۹	گلستان
افزایش یافته	۰.۰۶۳۵۳	۰.۰۸۶۰۱	گیلان
افزایش یافته	۰.۰۸۸۷۹	۰.۱۱۵۳	لرستان
افزایش یافته	۰.۷۸۶۶۴	۰.۷۶۹۴	هرمزگان
افزایش یافته	۰.۰۷۸۵۳	۰.۱۰۲۷۳	همدان

منبع: تحلیل نگارندگان، ۱۳۹۱.

مشاهده می‌شود که علی‌رغم افزایش درجه توسعه یافتگی تمامی استانها در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۳ شکاف توسعه بین این استانها با استان اول به کشور نیز افزایش یافته است. همچنین در همین راستا مقایسه فاصله توسعه یافتگی سه استان اول با سه استان آخر نیز این نکته را تأیید می‌کند.

نتیجه گیری:

توسعه به معنای گذر از وضع موجود برای دستیابی به وضع مطلوب و تلاش برای بهبودی زندگی، همزاد تاریخ جامعه بشری است، اما توسعه به مفهوم امروزی آن که بیشتر یک مفهوم مقایسه‌ای است از جمله مفاهیمی است که پیش از هر موضوع دیگری در نیم قرن اخیر مورد بحث محافل قرار گرفته است. بنابراین توسعه در تعاریف جدید مفهومی فراتر از رشد می‌باشد و تحولات کیفی و ساختاری متفاوت از گذشته را می‌طلبد. در واقع کمیت بیشتر از آنچه که هست به تنهایی مورد نظر نبوده و کیفیت جدیدی به سوی آنطور که باید باشد، هدف گیری می‌شود. در این پژوهش با استفاده از شاخص‌های اقتصادی-زیربنایی و اجتماعی و فرهنگی در دو مقطع پایان برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) و پایان برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفت تا میزان توسعه یافتگی استانهای کشور و تأثیر این برنامه‌ها در توسعه یافتگی استانهای کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که: سطح توسعه و درجه توسعه یافتگی استانها در پایان برنامه چهارم توسعه بیشتر از پایان برنامه توسعه شده است و در این راستا اجرای برنامه توسعه تأثیری مثبتی داشته است و مطابق یافته‌های تحقیق درجه توسعه یافتگی

تمامی استان‌ها نسبت به پایان برنامه سوم توسعه بیشتر شده است. اما نکته مهمی که قابل ذکر می باشد آن است که افزایش درجه توسعه یافتگی استان‌ها چندان موجب تغییر جایگاه رتبه بندی و سطح بندی استانها نشده است. مسئله دیگری در یافته‌های تحقیق به دست آمد که شایان توجه می باشد آن است که شکاف توسعه بین تمامی استانها افزایش یافته است. به عنوان مثال فاصله درجه توسعه یافتگی استان اول با تمامی استان‌های دیگر در پایان برنامه چهارم توسعه نسبت به پایان برنامه سوم توسعه بیشتر شده است.

منابع و مأخذ:

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷): جامعه شناسی و توسعه یافتگی روستایی ایران، انتشارات کیهان، چاپ پنجم، تهران.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۶۷): نظریه‌های توسعه نیافتگی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱، تهران.
۳. اطاعت، جواد (۱۳۷۱): توسعه سیاسی، نشر سفید، چاپ اول، تهران.
۴. پردازی مقدم، سعیده و همکاران (۱۳۸۴): روشهای تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح بندی استانهای کشور، مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، تهران.
۵. تودارو، مایکل (۱۳۶۷): توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی، نشر سازمان برنامه و بودجه، چاپ سوم، تهران.
۶. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶): توسعه پایدار، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۷. شکویی، حسین (۱۳۸۲): اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد ۲، انتشارات مؤسسه گیتاشناسی، چاپ اول، تهران.
۸. صرافی، مظفر (۱۳۷۷): مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، چاپ اول، تهران.
۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۵، ۱۳۸۴، ۱۳۸۳): سالنامه آماری کشور، تهران.
۱۰. تونزاد، مسعود (۱۳۷۹): راهی به سوی توسعه پایدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۱-۱۳۲، تهران.
11. Nagle, Garrett. (2005) Access to Geography: Development. Routledge. London.
12. Smith, S. (1995) sustainability Analysis; A Handbook. Longman Group Limited. 2nd Edition. 21.
13. Streeten, P (1999); Boston University, Economic Development in third world, Boston University, Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21s.